
بررسی فقهی- حقوقی ضمان ناشی از نقص سامانه‌های اطلاعاتی در فرایند تربیت^۱

سید محمد رضا حسینی^۲

علیرضا مظلوم رهنی^۳

علیرضا رجب زاده اصطهباناتی^۴

چکیده

سامانه‌های اطلاعاتی دیجیتالی و نرم‌افزارها، بدون شک از مهم‌ترین ابزارها و عناصر مؤثر در حیات اجتماعی بشر محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای که نقش عظیمی در ساحات زندگی اجتماعی، اقتصادی، علمی و آموزشی جامعه ایفا می‌کنند. در این میان، نظام تعلیم و تربیت نیز از وجود این سامانه‌ها بی‌بهره نیست و امروزه، از مؤلفه‌های تسریع‌کننده در امر آموزش و تربیت، به‌کارگیری سامانه‌ها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی هستند که بستر لازم برای بسیاری از فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی اعم از آموزشی و تربیتی را فراهم می‌آورند و به‌عنوان بازویی توانا، عاملین تربیت را در امر

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۹/۵؛ تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۱۱/۱۴.

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران، (Smr hosseini51@gmail.com)

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول،

(dr.mazloomrahni@gmail.com)

۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه غیر انتفاعی رجا، قزوین، ایران، (alive zajabzadeh@gmail.com)

تعلیم و تربیت یاری می‌رسانند؛ اما سؤالی که تحقیق حاضر به دنبال آن است، این‌که بر ایراد عیب و نقص سامانه‌ها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی به فرایند تربیت یا متربی، چه احکام فقهی و حقوقی مترتب می‌گردد؟ آیا تولیدکنندگان این نوع از نرم‌افزارها در صورت عیب و نقص، مسئولیت دارند؟ آیا در شرع نسبت به جبران خسارات ناشی از نقص سامانه‌های اطلاعاتی، ادله‌ای وجود دارد؟ به نظر می‌رسد بر اساس قواعد فقهی مانند قاعده «لاضرر، اتلاف، غرور»، بتوان خسارت ناشی از سامانه‌های مذکور و مسئولیت مدنی تولیدکنندگان نرم‌افزارها را اثبات نمود. البته بررسی موضوع مورد تحقیق، بر اساس حقوق موضوعه و با تمسک به نظریه‌هایی مانند «نظریه تقصیر، ایجاد خطر، مختلط، تضمین حق و نظریه مسئولیت محض» به نظر راه را برای بررسی فقهی مسئله هموارتر می‌سازد. نتیجه اجمالی نوشتار حاضر، ثبوت ضمان و عدم رفع مسئولیت تولیدکنندگان سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری به علت نقص است.

واژگان کلیدی: قاعده لاضرر، قاعده غرور، نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی، تضمین

حق، قاعده غرم.

۱. مقدمه

سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، دربرگیرنده داده‌ها یا دستورهای رایانه‌ای است که در دانش رایانه و مهندسی نرم‌افزار، تمام اطلاعات فراوری شده به وسیله سیستم کامپیوتر، برنامه‌ها و داده‌ها را نرم‌افزار می‌نامند. سیستم‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، بدون شک نیروی حیاتی حاکم بر جامعه اطلاعاتی می‌باشند و صنعت نرم‌افزاری دارای نقش عظیمی را در اقتصاد و اشتغال‌های جامعه ایفا می‌کند. با گسترش به‌کارگیری این سیستم‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی، مقوله معایب و جرایم موجود در این زمینه نیز به وجود آمده؛ به طوری که امروزه با پیشرفت صنعت نرم‌افزاری در

ایران و افزایش استفاده از انواع سخت‌افزارها و سیستم‌های دیجیتالی مربوط در صنایع مختلف و بخش‌های مختلف در ادارات و سازمان‌ها نیاز به وجود قوانینی است که بر قراردادهای منعقد بین طرفین (شرکت‌های تولیدکننده نرم‌افزار و ادارات سفارش‌دهنده نرم‌افزار) نظارت و کنترل داشته باشد تا حقی از طرفین ضایع نشود و در صورت بروز هرگونه نقصی در شرایط قرارداد، حقوق از دست‌رفته مشتریان و سازمان‌ها یا حتی تولیدکنندگان نرم‌افزار را باز پس دهند و از هرگونه بی‌مساواتی در این زمینه جلوگیری به عمل آورند (مشکنانی، ۱۳۹۷: ۲۶). در کشور ما هنوز قانون مشخصی در خصوص مسئولیت پاسخ‌گویی به عیوب و نواقص نرم‌افزاری و سامانه‌های دیجیتالی وجود ندارد. البته تنها قانونی که در این باره شکل گرفته، قانون مربوط به جرایم رایانه‌ای است و در همه پروژه‌های مربوط به سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و مواد مربوط به عقود و معاملات و الزامات ارجاع داده می‌شود.

انتخاب واژه مسئولیت در زبان فارسی از عرف و فرهنگ اسلامی نشئت گرفته است که هر نوع تکلیف، تعهد، پرسش و مؤاخذه‌ای به دنبال دارد. این واژه در زبان محاورات عمومی و مطبوعاتی، بیشتر در مورد تعهدات سیاسی، اداری و وظایف عمومی به کار می‌رود (عمید زنجانی، ۱۳۹۵: ۳۸). مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی دارای دو معنای اعم و شخص است. در معنای اعم، مسئولیت مدنی عبارت است از وظیفه حقوقی که شخص در برابر دیگری به انجام یا ترک عملی دارد؛ اعم از این‌که منشأ آن عمل حقوقی یا مادی باشد یا مستقلاً منشأ مسئولیت قانونی باشد. در واقع، منظور از مسئولیت در این مورد، جبران خسارت است نه عمل کیفر. مسئولیت مدنی در معنای اخص، عبارت است از وظیفه حقوقی شخص در برابر دیگری به تسلیم مال در عوض استیفا از مال یا عمل دیگری یا وظیفه جبران زیاد وارده در اثر فعل یا ترک فعلی که ناشی

از قرارداد نباشد (شهیدی، یزدانیان، ۱۳۷۹: ۳۶). برخی حقوق دانان در تعریف مسئولیت مدنی آورده‌اند: مسئولیت مدنی، عبارت است از التزام قانونی شخص به جبران خسارتی که ناشی از رفتار او به دیگری وارد شده است. این خسارت می‌تواند مادی یا معنوی باشد، پس مسئولیت مدنی، تعهد و التزام به انجام امر یا جبران خسارات قابل پیش‌بینی و غیرقابل مقابله‌ای است که بدون قرارداد و عقد بین اشخاص و به حکم قهری قانون، حاصل می‌شود. این نوع مسئولیت، قهری و واقعی است که عبارت است از حکم قانون یا شرع که موجب ثبوت مال کسی بر ذمه دیگری می‌شود و لازمه ثبوت، این است که عین مال بر ذمه دیگری، در صورت بقاء، مسترد شده و در صورت تلف، مثل یا قیمت آن پرداخت شود و یا موجب التزام به نفع دیگری گردد (جعفرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵). مسئولیت مدنی و اخلاقی با همدیگر تفاوت دارند؛ به لحاظ این‌که مسئولیت اخلاقی به معنای شرمساری وجدان است که بیشتر جنبه شخصی دارد؛ درحالی‌که مسئولیت مدنی، جنبه نوعی و اجتماعی دارد و معیار آن، رفتار متعارف و متداول افراد جامعه است. در مسئولیت مدنی، ورود ضرر، تجلی خارجی فعل یا ترک فعل زیان‌بار است که خسارت وارده شرط تحقق مسئولیت مدنی است (داراب‌پور، ۱۳۹۵: ۲۶). مقاله حاضر با بررسی منابع فقهی و حقوقی، درصدد ارائه راهکارهایی برای چالش نبود قانون مدون در ارتباط با مسئولیت مدنی تولیدکنندگان سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری و حقوق مصرف‌کننده است و ثبوت ضمان در صورت خسارت ناشی از عیب و نقص سیستم اطلاعاتی و نرم‌افزاری است.

۲. مبانی فقهی ضمان و مسئولیت ناشی از عیب و نقص سامانه‌های دیجیتالی و

نرم‌افزاری

بر اثبات ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از عیب و نقص سامانه‌های اطلاعاتی دیجیتالی و نرم‌افزارها، می‌توان به برخی قواعد فقهی تمسک نمود.

الف) قاعده لاضرر

از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مورد استناد قرار گرفته، قاعده «لاضرر» است. مدلول قاعده لاضرر، نفی^۱ یا نهی^۲ ضرر است؛ اعم از این که ضرر به خود یا غیر باشد. پشتوانه این قاعده، حدیث لاضرر است که بر نفی ضرر در شریعت اسلامی دلالت می‌کند؛ خواه ضرر ناشی از ثبوت حکم باشد یا نفی حکم و همچنان که وجود حکم ضرری با «لاضرر» برداشته می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۶). فقهای امامیه در ابواب مختلف فقه، جبران ضرر را بر کسی که ضرر زده است، لازم و ضروری می‌دانند و اگر در نظر فقیهان مفاد حدیث لاضرر فقط بر نفی حکم دلالت می‌کرد، حکم به جبران ضرر نمی‌دادند (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۲). در این قاعده، دایره ضرر در تربیت وسیع است؛ از این رو به‌کارگیری هر نوع روش، اقدام یا مقدمات تمهیدی تربیتی که سبب ایراد ضرر به متربی شود، ممنوع است و از آنجا که عیب و نقص سامانه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارها سبب ایراد ضرر به متربی یا فرایند تربیت می‌شوند، به‌کارگیری نرم‌افزارهای ناقص و معیوب، شرعاً جایز نیست و در صورت ایراد ضرر، جبران آن لازم است. به‌طور کلی، در ایراد ضرر به غیر، اختلافی نیست و همه فقها آن را حرام می‌دانند؛ چراکه اضرار به غیر، ورود در حیطة سلطنت غیر است. از این رو، اگر به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی موجب اضرار به متربی شود، به‌کارگیری آن شرعاً حرام است.

اما این که آیا اگر این نوع خسارت ناشی از نقص علم بشری باشد، باز هم قاعده لاضرر بر جبران خسارت دلالت می‌نماید یا نه؟ به نظر می‌رسد باید گفت از آنجا که قاعده لاضرر اطلاق دارد و تمام انواع ضررها را شامل می‌شود و در هیچ‌یک از آثار فقها

۱. شیخ انصاری، *فرائد الاصول*، ج ۲، ص ۵۳۴؛ عبدالله بن محمد تونی، *الوافیه فی اصول الفقه*، ص ۱۹۴.

۲. سید روح الله موسوی خمینی، *الرسائل*، ج ۱، ص ۵۵؛ فتح الله بن محمد جواد نمازی، *قاعده لاضرر*، ص ۱۸.

محدودیتی برای لاضرر از لحاظ مصداقی بیان نشده است، ضرر ناشی عیب سامانه‌ها به دلیل نقص علم بشری نیز از مصداق قاعده لاضرر تلقی می‌گردد. در نتیجه تولیدکنندگان سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، ضامن خسارات وارده هستند. البته اثبات این حکم، ممکن است انگیزه لازم برای تولید نرم‌افزارها را کاهش دهد؛ اما می‌توان با گسترش صنعت بیمه و تحت پوشش قرار دادن عیوب پنهان و ناشی از نقص علم بشری، تا حد زیادی از تولیدکنندگان سامانه‌های اطاعاتی حمایت نمود.

ب) قاعده غرور

از دیگر قواعدی که بر ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از عیب و نقص سیستم اطلاعاتی دلالت دارد، قاعده غرور است. به موجب این قاعده، هرگاه از شخص، عملی صادر گردد که باعث اغراء و گول خوردن شخص دیگری شود و در نتیجه آن، ضرر و زیانی متوجه وی گردد، شخص غار، به موجب این قاعده ضامن است و باید خسارت وارده بر مغرور را جبران کند. مطابق منابع حقوقی، اگر کسی به قصد فریفتن دیگری به کاری دست زند که واقع را وارونه جلوه دهد و حقیقت را بپوشاند، ولی ثابت شود که منشأ جهل او امور دیگری است و اقدام فریب‌کارانه اثری در این راه نداشته است، نمی‌توان این شخص را ضامن شمرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۸). برعکس، در مواردی که شخص، حقیقت را می‌داند، ولی قصد فریفتن دیگری را ندارد؛ هرگاه عملی از او سر بزند که باعث غرور دیگران و اضرار به آنان شود، شخص ضامن است؛ زیرا رابطه عرفی بین کار او و گول خوردن زیان‌دیده وجود دارد و در نظر عرف می‌توان آن را مغرورکننده شمرد.

برخی فقها غرور را از اسباب ضمان قهری دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۶۳)؛ زیرا از عوامل مؤثر در ایجاد مسئولیت، فریب دادن است. به این نوع از مسئولیت که ضمان ناشی از خدعه و فریب است، در اصطلاح حقوقی، ضمان غرور می‌گویند که

نوعی ضمان قهری است. در عرف و سیره عقلانیز اگر شخصی از عمل دیگری فریب خورده، در اثر آن زیان ببیند، حق دارد برای جبران خسارت به شخص فریب‌دهنده مراجعه کند و از او مطالبه غرامت و خسارت نماید (خویی، ۱۴۱۹: ۳۴۸). عقلا شخص متضرر را از مطالبه خسارت‌ها از غاژ منع نکرده و آن را قبیح نمی‌دانند؛ بلکه غاژ را موظف به پرداخت تاوان و تحمل غرامت می‌دانند (همان: ۲۳۷). به علاوه، چنین مسئولیتی در نظر عقلا محدود به زمان و مکان خاصی نبوده و در همه حالات نسبت به اموال و غیر اموال، اعمال می‌گردد و اگر در صورت فریب کاری عمل فریب خورده موجب زیان دیگری گردد، هرچند او به دلیل مباشرت در ورود ضرر ضامن است، حق رجوع به غاژ و مطالبه غرامت‌ها از او را دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷: ۲۹).

بر پایه قاعده مزبور، هرگاه سازندگان و فروشندگان سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، سامانه‌ای را در اختیار نهادهای تربیتی، عاملین تربیتی یا شخص مرتبی قرار دهند که منشأ فریب خوردن آنان شود، هرچند فروشنده یا سازنده قصد فریب دادن خریدار را هم نداشته باشد و غرور به صورت ناآگاهانه محقق شده باشد، سازندگان ضامن هستند و به جبران خسارت ملزم می‌گردند. مصادیق فریب در این مورد، متعدد است؛ گاه نرم‌افزار به لحاظ محتوا ناکارآمد است و گاه به لحاظ اجرا و عملکرد. در هر حال، ضمان بر ذمه تولیدکننده مرتب می‌گردد؛ اما هرگاه اغراء به سبب استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی معیوب یا ناقص، سبب اخلال در روند تربیت‌پذیری مرتبی شود یا او را از مسیر رشد و هدایت باز دارد؛ به لحاظ حکم تکلیفی، تهیه‌کنندگان این نوع نرم‌افزارها، مرتکب فعل حرام شده‌اند و درآمدی که از این طریق کسب نموده‌اند، سحت و حرام است.

ج) قاعده غرم

از تلازم میان نماء و درک، به قاعده غرم تعبیر شده است. مفاد این قاعده، آن

است که هرکس از مالی بهره می برد، خسارت هم به عهده اوست. این قاعده مستفاد از ادله روایی مانند روایت نبوی «الرهن من صاحبه الذي رهنه له غنمه و عليه غرمه» (طوسی، ۱۳۷۸: ۱۱۱) است. بر پایه این قاعده، برخی فقها معتقدند در مورد مال مغضوب، غاصب ضامن منافع نیست و در قبال ضمان عین، منافع زمان تصرف به او تعلق می گیرد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۵۲). بنابراین، بین ضمان عین و مالکیت منافع، ملازمه وجود دارد؛ اما مشهور فقها معتقدند قاعده مزبور، به باب بیع اختصاص دارد. از این رو، هرگاه مشتری مالی را از فروشنده خریداری کند، چنانچه پس از قبض، مال تلف شود، خریدار نمی تواند برای جبران زیان وارده به خود، ناشی از تلف شیء خریداری شده، به فروشنده مراجعه کند؛ بلکه همان گونه که اگر شیء مزبور سالم می ماند، منافع حاصل، از آن او بود، در صورت تلف نیز، زیان وارده متعلق به وی خواهد بود (همان: ۵۴).

حال در مواردی که سیستم اطلاعاتی و نرم افزاری دچار عیب و نقصی به متولیان تربیت یا متریان وارد سازد، از آنجاکه سود حاصل از فروش این سامانه ها و نرم افزارها به سازندگان و تهیه کنندگان آن می رسد، طبیعتاً غرامت هم متوجه آنان می گردند و ایشان ضامن خسارات وارده هستند.

شرکت های بزرگ که امروزه در قالب اشخاص حقوقی در حجم وسیع به فعالیت اقتصادی از جمله تولید سامانه های دیجیتالی و نرم افزاری می پردازند، مطابق این قاعده در برابر ضررهای ناشی از محصولات خود مسئول اند و حتی بدون نیاز به احراز تقصیر، صرفاً به لحاظ محیط سودآوری که ایجاد کردند، ملزم به پاسخ گویی به صورت جبران خسارت هستند.

جمع بندی

بر اساس دلالت قواعد سه گانه، از آنجاکه عیب و نقص در سامانه های اطلاعاتی و

نرم افزارها سبب ایراد ضرر به فرایند تربیت می‌شود یا موجب اغراء متربی می‌گردد، تولیدکنندگان و متصدیان تهیه این‌گونه نرم افزارها ضامن هستند و باید هرگونه خسارت وارده به نظام آموزشی یا غرامت وارده به عاملین تربیتی یا متربیان را جبران کنند. چنانچه ضرر و غرر به تربیت، موجب گمراهی و انحراف متربی شود، به لحاظ حکم تکلیفی نیز حرمت بر ذمه تولیدکننده محصول بار می‌گردد.

البته در مواردی که عیب و نقص ناشی از اهمال و تقصیر نباشد، ممکن است به لحاظ شرعی حرمتی متوجه تولیدکنندگان مترتب نگردد؛ اما به لحاظ حکم وضعی، خسارت بر ذمه تولیدکننده نرم افزار بار می‌گردد. باین حال، تولیدکننده برای پرداخت خسارات احتمالی می‌تواند محصول خود را تحت پوشش بیمه قرار دهد تا مغبون نشود یا انگیزه تولید را از دست ندهد.

۳. مبانی حقوقی مسئولیت ناشی از عیب و نقص سامانه‌های دیجیتال و نرم‌افزاری

مبانی، جمع واژه مبنا، به معنای بنیاد، شالوده، اساس، ابتدا و پایه معنا شده است.^۱ در اصطلاح برای مبانی تعاریف متعددی آمده است. گاه مراد از مبانی، اصول کلی در یک دانش خاص است. گاه مراد، استدلال‌هایی است که برای اثبات یک فرضیه یا نظریه ارائه می‌شود و گاهی به معنای اصل موضوعه است که در دیگر علوم و دانش‌ها اثبات شده است.^۲ اما مبانی حقوقی، به معنای نیرو و جاذبه‌ای که افراد را ملزم به اطاعت از قانون و اجرای آن می‌کند، آمده است.^۳ در معنای دیگر، مراد از مبانی حقوقی، قواعد حقوقی است که مصرح یا مستنبط از قوانین موضوعه نباشد و از مطالعه

۱. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۱۳، ص ۶۲۹؛ محمد معین، فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۷۷۷.

۲. محمد اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ص ۱۰.

۳. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۳۹؛ محمد حسین ساکت، نگرشی تاریخی به فلسفه حقوق، ص ۱۷.

مصالح اجتماع و طبع موضوعات و سیستم حقوقی کشف شود.^۱ از دیدگاه برخی، واژه مبنا در علم حقوق، ناظر بر اعتبار و مشروعیت قاعده و نظام حقوقی است^۲ و از نگاه برخی دیگر، مبانی حقوق در معنایی دیگر، به اهداف متوسطی اطلاق می‌شود که واسطه بین قواعد حقوقی و هدف نهایی حقوق یعنی سعادت اجتماعی قرار می‌گیرند.^۳ با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت در مبانی حقوقی، سخن از اعتبار و مشروعیت مفاد قاعده حقوقی است که برآمده از قوانین مصوب یا مفاهیم دینی و عقلی مانند تعاون، عدالت یا شعور جمعی است. در واقع، مبانی حقوقی، منبعی است که پایه همه قواعد حقوقی و توجیه‌کننده الزام ناشی از آنها قلمداد می‌شود.^۴

به جز قواعد فقهی، بر اثبات ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از عیب نرم افزارها و سامانه‌های اطلاعاتی، می‌توان به برخی قواعد و رویه‌های حقوقی نیز استناد نمود. به این منظور، برخی آراء و نظریه‌های حقوقی در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) نظریه تقصیر

تقصیر از قصر، به معنای کوتاهی کردن است (عمید، ۱۳۷۹: ۳۳۲) که در اصطلاح حقوق، تقصیر به معنای خودداری از انجام عملی با وجود توانایی صورت دادن آن عمل آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۷۵). در قانون مجازات اسلامی، تقصیر به بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی تعریف شده است (تبصره ۱، ماده ۳۳۹ ق.م). قانون مدنی در ماده ۹۵۳،

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۳۱۸۴.

۲. محمود حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری، ص ۶۴.

۳. جمعی از نویسندگان، درس‌نامه فلسفه حقوق، ص ۱۴۹.

۴. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۲، ص ۳۹.

تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته که با ملاحظه مواد مربوط به تعدی و تفریط،
تقصیر را از لحاظ قانون مدنی می‌توان چنین تعریف کرد: «تقصیر، عبارت است از
ترک عملی که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که شخص از انجام
دادن آن منع شده است» و در یک تعریف ساده، تقصیر یعنی «تجاوز از رفتاری که
انسان متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۹۹).

در تطبیق این قاعده بر موضوع مورد پژوهش، باید گفت تولیدکننده‌ای که
نرم‌افزارها یا سامانه‌های اطلاعاتی را در اختیار نهاد آموزشی یا متولیان تربیت یا
متریان قرار می‌دهند، فقط در صورتی مسئول زیان‌های ناشی از نقص و عیب کالا
تلقی می‌شوند که در فرایند تولید و تهیه کالای دیجیتالی، استانداردهای لازم را رعایت
نکرده و مراقبت لازم و کافی را مبذول نداشته و مرتکب تقصیر شده باشند. در این
صورت، باید هرگونه زیان و خسارت را خود پردازند (Clarkson, 1992: 464).
به موجب این نظریه، مبنای مسئولیت مدنی، تقصیر است؛ زیرا مسئول جبران
خسارت باید از نظر اخلاقی، قابل ذم و ملامت باشد. در این دیدگاه، تقصیر یک
مفهوم اخلاقی است و برای کشف تقصیر، رفتار هر فردی باید جداگانه مورد ارزیابی
قرار گیرد. البته وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر، لازم است و زیان دیده در
صورتی می‌تواند مطالبه جبران خسارت نماید که اثبات نماید تقصیر طرف دعوی،
سبب ورود خسارت شده است (طاهری، ۱۴۱۴، ۵: ۲۷۴).

مناقشه‌ای که بر این دیدگاه وجود دارد، این است که با توجه به اخلاقی بودن
مفهوم تقصیر، در بسیاری موارد اثبات تقصیر غیرممکن یا دشوار است؛ در نتیجه
بسیاری از زیان‌ها جبران نشده باقی می‌مانند. برای رفع این مناقشه، برخی نویسندگان
مفهوم اخلاقی تقصیر را رها، و «تقصیر اجتماعی» را جایگزین کردند. در نتیجه، هر

اقدامی با رفتار یک انسان متعارف مخالف باشد، تقصیر محسوب می‌شود؛ هرچند مرتکب شونده به لحاظ اخلاقی قابل ملامت هم نباشد. طبق این مبنا، سازنده یک کالا می‌باید احتیاط لازم و کافی را برای تولید کالای سالم برای نوع انسان‌ها به کار گیرد. این احتیاط کافی و لازم و به عبارت دیگر، «رفتار متعارف» باید در سراسر فرایند تولید اعم از طراحی کالا، انتخاب مواد اولیه، استفاده و ترکیب از آن مواد و آزمایش‌های پس از تولید کالا صورت بگیرد. همچنین سازنده می‌باید اخطارهای مناسبی را به صورت برجسته بر روی کالا و به منظور آگاه کردن، الصاق نماید تا مصرف‌کننده معمولی، از خطراتی که ممکن است شخص معمولی از آنها آگاه نباشد، مطلع گردد (Clarkson، 1992: 456).

گفتنی است در صورت اختلاف مشتری و خریدار نرم‌افزار، در دادگاه این خواهان متضرر است که باید تقصیر تولیدکننده و فروشنده را اثبات نماید؛ چراکه او مدعی است و اصل نبود تقصیر است و ادعای او مخالف اصل عدم است و باید برای اثبات تقصیر بینه بیاورد؛ چون «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر». البته معیار در تشخیص تقصیر، رفتار متعارف انسانی است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۹۹). بنابراین، صرف خطرناک بودن کالا را نمی‌توان تقصیری از طرف تولیدکننده و فروشنده قلمداد کرد؛ چراکه در مسئولیت بر مبنای تئوری تقصیر، تولیدکننده و فروشنده صرفاً زمانی مسئول خسارات ناشی از کالای معیوب محسوب خواهند شد که خسارت از عیب موجود در کالا ناشی گردیده باشد. پس در صورتی که سازنده نرم‌افزار در فرایند تولید، مرتکب تقصیر نشده باشد، مسئولیتی نسبت به جبران خسارت ندارد.

در قانون مسئولیت مدنی ایران، تئوری تقصیر مبنای مسئولیت قرار گرفته است. قانون مزبور در ماده ۱ مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه

بی احتیاطی، لطمه‌ای به دیگری وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود است». آنچه از عبارات «عمد و بی احتیاطی» می‌توان استنباط کرد، چیزی جز تقصیر نیست.

در بررسی مسئولیت بر مبنای این تئوری، نیازی به اثبات وجود قرارداد بین متضرر و عامل زیان نیست و صرفاً کافی است که متضرر ثابت نماید:

۱. خواننده، احتیاط و وظیفه مراقبتی را بر عهده داشته؛

۲. این مراقبت را نقض کرده؛

۳. خواهان از یک مصدومیت قابل التزام متضرر شده؛

۴. مصدومیت، مستقیماً ناشی از نقض مراقبت لازم و کافی ایجاد شده است.

بنابراین، این تئوری به اشخاص ثالثی (متربی) که در اثر مصرف کالا (نرم‌افزار آموزشی) متحمل ضرر گردیده، اجازه می‌دهد که علیه تولیدکننده یا فروشنده مقصر اقامه دعوی نمایند.

با این همه، بزرگ‌ترین عیب این تئوری، آن است که با توجه به پیچیدگی محصولات از نظر فنی و حوادث نامطلوب ناشی از آن، در بسیاری از موارد، یا اصلاً امکان اثبات تقصیر سازنده و فروشنده وجود ندارد یا حتی اگر امکان اثبات تقصیر باشد، خیلی دشوار است (Clark Product، 1989: 792). به نظر مخالفان این تئوری، در موارد بروز خسارت، مؤسسات تولیدکننده و فروشنده کالا مناسب‌ترین شخص برای تحمل غرامت هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

به هر حال، عدم رعایت دقت در تهیه و ساخت نرم‌افزارهای آموزشی و سیستم‌های اطلاعاتی و ایراد خسارت مادی و معنوی به متربیان، مستوجب ضمان می‌شود؛ زیرا موجب اتلاف عمر و سرمایه متربیان، خانواده و نهاد تربیتی می‌شود.

ب) نظریه ایجاد خطر

بر اساس این نظریه، شخصی که با فعالیت‌های خود، دیگران را در معرض خطر قرار می‌دهد و موجب ورود زیان به آنها می‌شود، باید ضرر را جبران کند و نیازی به اثبات تقصیر نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۳: ۱۱۶). در این نظریه که تداعی‌کننده قاعده فقهی غرم (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۲۸) است، مسئولیت جنبه نوعی داشته و موضوع، احراز رابطه سببیت میان عمل زیان‌بار و ضرر وارده است. مهم‌ترین امتیاز این نظریه، آن است که کمتر ضرری بدون جبران باقی می‌ماند.

بر مبنای این نظریه، اگرچه زیان دیده از اثبات تقصیر عامل زیان معاف است، برای اثبات مسئولیت مدنی باید بتواند رابطه علیت بین عمل زیان‌بار و زیان را اثبات کند و این امر با توجه به این‌که در وقوع هر زیانی علل و عوامل گوناگونی مؤثر است، چندان آسان نیست (انصاری، ۱۴۲۱: ۱۲۸) بنابراین، برای رفع این مشکل نظریات مختلفی همچون نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه، نظریه سبب مقدم در تأثیر، نظریه میزان تأثیر هر یک از اسباب، نظریه برابری اسباب و نظریه سبب متعارف و اصلی، ارائه شده است (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۲۵). بر این، با برقراری رابطه علیت بین عمل سازندگان نرم‌افزار و زیان وارده، حکم به جبران خسارت می‌شود؛ خواه عمل سازندگان متضمن خطا باشد یا نباشد. بنابراین، تولیدکنندگانی که به اشتباه و بدون تقصیر قطعه‌ای را اشتباهی در سامانه‌های دیجیتالی نصب نموده که بر اثر آن اشتباه، اطلاعاتی که شخص بر حافظه کامپیوتر ذخیره کرده پاک شود، ضامن هستند و ملزم به جبران خسارت می‌باشند.

گفتنی است با توجه به این‌که هر یک از دو نظریه تقصیر و خطر دارای اشکالاتی هستند، برخی تلفیق این دو دیدگاه را به عنوان نظریه مختلط ارائه داده‌اند و در مواردی مبنای مسئولیت مدنی و ضمان را تقصیر، و در موارد دیگر خطر دانسته‌اند.

البته این گروه از نویسندگان در تعیین قلمرو و نقش تقصیر و خطر در تحقق مسئولیت با یکدیگر توافق ندارند؛ برخی معتقدند مبنای اصلی، تقصیر است؛ ولی به طور فرعی و جنبی و برحسب عدل و انصاف، مسئولیت مبتنی بر خطر خواهد بود؛ اما برخی دیگر تقصیر و خطر، هر دو را به طور یکسان مبنای مسئولیت دانسته‌اند و مباحث آنها درباره مصادیق تقصیر و خطر است و خواهان دعوی باید، تقصیر خوانده را به اثبات برساند و مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت ناشی از مالکیت اشیا و سلطه بر آنها مبتنی بر خطر بوده و خواهان دعوی به ثبوت تقصیر خوانده نیاز ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۳۸: ۱۲۸).

ج) تئوری مسئولیت مطلق

مفاد تئوری مسئولیت مطلق (محض؛ عینی)، این است که هرگاه کالای معیوبی موجب ضرری به مصرف‌کننده گردد، تولیدکننده و فروشنده محصول، حتی اگر مقصر هم نباشند، در مقابل متضرر مطلقاً مسئول هستند (Clarkson، 1992: 123). بنابراین، اگر از مصرف‌نرم‌افزار یا سیستم اطلاعاتی ضرری به نهاد تربیتی یا شخص متربی وارد شود، کافی است اثبات شود که ضرر ایجاد شده ناشی از عیب موجود در نرم‌افزار بود. در این صورت، تولیدکننده و فروشنده نرم‌افزار، ملزم هستند که زیان‌های وارده را جبران نمایند.

تمایز این تئوری با تئوری‌های سابق، در این است که اولاً در این تئوری لازم نیست بین زیان دیده و عامل زیان قراردادی موجود باشد. ثانیاً در این تئوری، لازم نیست که متضرر تقصیر عامل زیان را اثبات نماید. حتی اصلاً لازم نیست که عامل زیان در ایجاد خسارت مقصر باشد، بلکه مسئولیت به صرف ورود خسارت ایجاد می‌گردد (همان: ۴۶۷).

بنابراین، در دعوی بر مبنای این تئوری، کافی است خواهان اثبات نماید که اولاً کالای تولیدشده یا فروخته شده به وسیله تولیدکننده و فروشنده معیوب بوده است. ثانیاً از وجود عیب در کالا ضرری به وی وارد شده است. در چنین صورتی، دادگاه بدون ملاحظه تقصیر یا عدم تقصیر عامل زیان و بدون توجه به وجود یا عدم رابطه قراردادی بین عامل زیان و متضرر، حکم به جبران زیان های وارده خواهد داد.

در ایران، مهم ترین قانونی که تئوری مسئولیت مطلق را در رابطه با تولیدکنندگان و فروشندگان اعمال کرده است، قانون نظام صنفی باشد. در خصوص مسئولیت تولیدکننده و فروشنده، تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون مزبور مقرر می دارد: «هر صنفی در مقابل کیفیت کالای خود مسئول است». البته لزومی به اثبات تقصیر عامل زیان و وجود قرارداد، در این بند دیده نمی شود. با این حال، در لایحه پیشنهادی حمایت از مصرف کنندگان، صراحتاً به مسئولیت مطلق عرضه کنندگان کالا اشاره شده است و ماده ۱۴ آن لایحه مقرر می دارد: «در دعوی مطالبه خسارت، زیان دیده فقط باید ثابت کند به او زیان وارد شده و زیان به طور متعارف ناشی از عیب کالا یا خدمت بوده است».

بر این و با توجه به نظریه مسئولیت مطلق، هرگاه تولیدکننده یا عرضه کننده محصولات دیجیتالی و نرم افزاری، محصولی را در اختیار نهاد تربیت یا متریان و محصلین قرار دهد که به دلیل نقص و عیب در آن محصول، ضرری به آنان وارد شود، ضمان و مسئولیت مدنی همچنان ذمه تولیدکننده یا توزیع کننده را مشغول می سازد.

د) نظریه تضمین حق

بر اساس این نظریه در مسئولیت مدنی و ضمان، باید حقوق زیان دیده و تضمین های قانون گذار در این خصوص مورد توجه قرار گیرد. در نظریه تقصیر و نظریه خطر، حقوق زیان دیده چندان مورد توجه نیست؛ درحالی که هر کس در جامعه حق

دارد که سالم و ایمن زندگی کند و از اموال خود سود ببرد. این حق به وسیله قوانین حمایت شده و ضمانت اجرای این حمایت، مسئولیت مدنی متجاوز است. همه موظف‌اند که به حقوق دیگران احترام گذارده و ایمنی آنان را به خطر نیندازند و همین‌که حقی از بین رفت، باید تلف‌کننده آن را جبران کند. این الزام به جبران خسارت را مسئولیت مدنی نامیده‌اند (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۹۲).

بر نظریه تضمین حق، اشکال شده است که اگر مبنای مسئولیت مدنی حمایت از حقوق زیان دیده است، باید حق فعالیت عامل ورود زیان مورد حمایت گیرد؛ چراکه گاه عامل ورود زیان طبق حق خویش رفتار می‌کند، درعین حال موجب ضرر و زیان دیگران می‌شود. پس چرا باید همیشه حق امنیت زیان دیده بر حق فعالیت عامل ورود زیان مقدم دانست؟ «استارک»، که مبتکر نظریه تضمین است، در خصوص رفع تداخل بین حق فعالیت و حق امنیت، حق فعالیت را به دو دسته تقسیم می‌کند. در برخی موارد، تضمین اجرای حق، ملازم با ورود زیان به دیگری است و الزام به جبران خسارت به منزله انکار آن حق است. در موارد دیگری، تضمین اجرای حق، ملازم با اضرار دیگران نیست. در این صورت، باید خسارات وارده جبران گردد. در پاره‌ای فعالیت‌ها به اشخاص اجازه داده می‌شود که به فعالیت خود ادامه دهند؛ هرچند موجب اضرار دیگران باشد؛ یعنی لازمه شناسایی حق و طبیعت اجرای آن، اینجاست که می‌کند که زیان دیگران نتواند مانعی در راه اجرای آن حق گردد؛ زیرا الزام به جبران خسارت، به منزله انکار حق است. برای مثال، قانون به اشخاص حق می‌دهد که در تولید سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری با هم رقابت کنند، جنس مرغوب‌تر و ارزان‌تر عرضه کنند و درباره مزایای کالای خود به تبلیغ پردازند. اجرای این حق، بی‌تردید به زیان دیگران است، ولی چنین خسارتی را نمی‌توان مطالبه کرد؛ چون پذیرفتن مسئولیت مدنی ناشی از رقابت مشروع، به منزله ممنوع کردن آن است. در این موارد،

فقط در صورتی مسئولیت ایجاد می‌شود که شخص، حق خود را درست اعمال نکند و مرتکب تقصیر گردد.

اما در پاره‌ای دیگر از حقوق، اجرا و به رسمیت شناختن آنها ملازم با جواز اضرار به دیگری نیست. حق حیات و مالکیت، از حقوقی است که در مقام اجرای هیچ حقی، نمی‌توان به آنها لطمه وارد کرد. در این نوع حقوق، حق فعالیت محکوم حق امنیت است. برای مثال، ساخت سامانه‌های نرم‌افزاری و به رسمیت شناختن این فعالیت، به معنای اتلاف مال دیگری نیست و هیچ ارتباط منطقی بین آن دو وجود ندارد؛ زیرا این نوع حقوق در برابر فعالیت اشخاص از طرف قانون‌گذار تضمین شده است. پس متجاوز به حق، مسئول جبران زیان ناشی از آن است؛ هرچند کار قابل ملامتی هم انجام نداده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۱۶).

بر اساس آنچه گفته شد، در نظریه تضمین حق، بین خسارات بدنی و مالی از یک سو، و خسارات معنوی و مادی از سوی دیگر، تفاوت گذارده شده است. دسته نخست، قطع نظر از تقصیر عامل ورود زیان، در هر حال باید جبران شود و مسئولیت ناشی از آن نوعی است؛ ولی در مورد خسارات معنوی و اقتصادی، اگر همراه با زیان‌های بدنی و مالی نباشد، مسئولیت در صورتی ایجاد می‌شود که مرتکب کار زیان‌بار مقصر باشد.

ه) تقصیر در مسئولیت قهری

از منظر حقوق ایران برای تحقق مسئولیت قهری، به جز در مواردی همچون اتلاف و غصب که قانون‌گذار به صراحت خلاف آن را مقرر کرده، اصل بر این است که باید تقصیر مرتکب فعل زیان‌بار در مفهوم خاص آن مانند مسامحه و بی احتیاطی، عدم رعایت نظام‌های دولتی اثبات شود (قانون مدنی، مواد ۳۱۱، ۳۲۰ و ۳۲۳). گفتنی

است که مهم‌ترین اسباب مسئولیت قهری غضب، اتلاف و تسبیب است. با توجه به مفهوم غضب که استیلائی عدوانی بر مال غیر است، وجود سوء نیت و تقصیر در مفهوم خاص آن در غضب مفروض و مسلم است و با تحقق مفهوم غضب، تقصیر نیز محقق است (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ۳۶:۱۳۰).

در مورد اتلاف با توجه به آرای فقهی و تصریح مواد قانونی، نیازی به اثبات تقصیر در مفهوم خاص آن نیست و اثبات بی‌تقصیری متلف در ضمان او بی‌تأثیر است. بنابراین، در ماده ۳۲۸ قانون مدنی تصریح شده است که: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد؛ اعم از این‌که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این‌که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است» (اصلائی، ۱۳۸۴:۹۴). به جز مورد غضب و اتلاف در دیگر موارد مسئولیت قهری از جمله تسبیب، اصل این است که وجود تقصیر شرط تحقق مسئولیت است و بدون تقصیر، ضمان مسبب منتفی است؛ مگر آن‌که خلاف آن به صراحت از سوی قانون گذار مقرر شده باشد. این حکم کلی از مواد مختلف قوانین، از جمله ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۳۳۳ تا ۳۳۵ قانون مدنی استفاده می‌شود (ماده ۱ ق. م. م.).

و) تقصیر در مسئولیت قراردادی

تقصیر در انجام تعهدات در دو مفهوم خاص و عام به کار رفته است. در مفهوم خاص، هرگونه تخلف متعهد از ایفای تعهد که با عمد، بی‌احتیاطی، مسامحه یا حداقلی از عنصر معنوی و خطا همراه باشد، تقصیر نامیده می‌شود؛ اما در مفهوم عام، صرف عدم ایفای تعهد قراردادی به نحو معهود از جمله تأخیر در اجرای تعهدات، تقصیر محسوب می‌شود. درباره تقصیر در مسئولیت قراردادی، دو نظریه مطرح است که به اجمال بررسی می‌شوند.

۱. برخی حقوق دانان معتقدند مسئولیت بدون تقصیر در تخلف از انجام تعهدات قراردادی در سیستم حقوقی ایران پذیرفته نشده است (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۵). بر اساس این نظریه، تحقق عنصر تقصیر در مفهوم خاص (اعم از عمد و غیر عمد) برای تحقق مسئولیت قراردادی لازم است. از نظر طرف داران این نظریه، صرف عدم اجرای تعهدات قراردادی، تقصیر نیست؛ بلکه کاهلی، غفلت و کوتاهی، تقصیر است. بر این مبنا عدم انجام تعهد، در صورتی موجب مسئولیت متخلف است که به نحوی با اراده متعهد مرتبط باشد. البته طرف داران این نظریه در مقام اثبات، انجام ندادن تعهد را اماره تقصیر دانسته، معتقدند که قانون‌گذار وجود تقصیر در موارد تخلف از تعهد را مفروض تلقی نموده و بنابراین، متعهدله بی‌نیاز از اثبات تقصیر است (شهیدی، ۱۳۸۰، ۱۹۹ و ۲۳۷). بر این نظریه این‌گونه اشکال شده است که اماره، مبتنی بر درجه احتمال است و از انجام نشدن تعهد هیچ احتمالی بر وجود «تقصیر مدیون» استنباط نمی‌شود. انجام نشدن تعهد، می‌تواند همان اندازه مربوط به تقصیر مدیون باشد که به حادثه خارجی و عدم امکان اجرای آن؛ بنابراین نمی‌تواند اماره بر تقصیر تلقی شود (امامی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

۲. برخی دیگر معتقدند در تحقق مسئولیت قراردادی، نیازی به اثبات تقصیر در مفهوم خاص وجود ندارد؛ بلکه صرف عدم انجام تعهد به شکل معهود که آن را تقصیر به مفهوم عام نامیده‌اند، برای تحقق مسئولیت قراردادی کافی است.

در جمع‌بندی دو نظریه، می‌توان گفت که هریک از دو نظریه که ملاک باشد، در مقام عمل اثبات تقصیر در مفهوم خاص لازم نیست؛ چراکه وجود تقصیر در معنای خاص بر مبنای نظریه اول، مفروض دانسته شده است و بر مبنای نظریه دوم از اساس اثبات تقصیر در معنای خاص لازم نیست. در نتیجه تخطی از سه معیار قرارداد، قانون و عرف، معیار تحقق تقصیر است و تقصیر به این معنا، بدون تردید شرط

تحقق مسئولیت مدنی و ایجاد وظیفه جبران خسارت است. این سه معیار عبارت از قرارداد، قانون و عرف است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۵۶) که مفاد آنها به شرح زیر است:

قرارداد: اگر کسی برخلاف توافق انجام شده در نگهداری مال یا انجام تعهدی که بر عهده دارد، کوتاهی کند، مرتکب تقصیر شده است.

قانون: اگر قانون تکلیفی را اعم از فعل یا ترک فعل بر عهده کسی گذاشته باشد، آن‌گاه آن فرد از آن تخطی کند، مرتکب تقصیر شده است.

عرف: اگر کسی برخلاف معیار متعارف در مسئولیت و تکالیفی که در موضوع مشخصی بر عهده دارد، کوتاهی کند، مرتکب تقصیر شده است (انصاری، طاهری، ۱۳۹۵: ۷۵).

بر اساس این سه معیار، در صورتی متعهد در عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن، مقصر شناخته می‌شود که از انجام تکالیف و وظایفی که بر اساس قرارداد، قانون یا عرف دارد، تخلف نموده باشد. البته در درجه اول، باید به مفاد قرارداد مراجعه، و به معیار شخصی مورد تراضی طرفین، توجه شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۱۲). در مرحله بعد و در صورت سکوت قرارداد یا اجمال و ابهام آن، معیار نوعی با مراجعه به قانون یا عرف، ملاک احراز تقصیر واقع می‌شود. این حکم، در فقه امامیه و حقوق داخلی نیز از سوی فقیهان و حقوق دانان پذیرفته شده است (شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۳۵). در حقوق داخلی از مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی در مورد تعریف تقصیر، می‌توان استفاده کرد. در این قانون هر دو معیار نوعی و شخصی پذیرفته شده است؛ چراکه رجوع به اذن یا قرارداد، به منزله استناد به معیار شخصی، و رجوع به متعارف، به منزله استناد به معیار نوعی است. البته امکان اعمال هر دو معیار شخصی و نوعی برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی قراردادی، با این توضیح توجیه پذیر است که در صورت وجود شرط یا تصریح قراردادی یا هرگونه دلالت یقینی دیگر بر وجود تکلیف خاص قراردادی به لحاظ آن‌که

دلالت چنین شرط یا تصریح قراردادی بر اراده طرفین از دلالت حکم عرفی قوی تر است، عمل به آن بر عمل به حکم عرف، مقدم و ارجح است و در صورت فقدان چنین دلالتی، باید به معیار عرفی و نوعی مراجعه گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۶۷).

۴. نتیجه‌گیری

نقص و عیب سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزارها، همان عیب مطرح در فقه اسلامی است که اکثر فقها قائل به جبران خسارت ناشی از آن عیب و نقص هستند. بنابراین، سازنده سامانه‌های دیجیتالی و تولیدکننده نرم‌افزارهای آموزشی نسبت به جبران ضرر و خسارت ناشی از این عیب و نقص، مسئولیت مدنی دارند.

وجود خطرهای ناشناخته سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، حتی اگر ناشی از نقص علم باشد، ناقض اصل سلامت مبیع است؛ زیرا اطلاق عقد، سلامت مبیع از عیب نهفته را اقتضا دارد و انسان به طور متعارف، مال را در ازای مبیع سالم می‌پردازد. تولیدکنندگان سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری، غالباً با تبلیغات و آگهی تجاری، سلامت و ایمنی محصول خود را تضمین می‌کنند؛ بنابراین نفس برنیارودن این تضمین، تقصیر و عامل اثبات حق ضمان به شمار می‌رود.

بر اساس دلالت قواعد سه‌گانه فقهی، از آنجا که عیب و نقص در سامانه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارها سبب ایراد ضرر به فرایند تربیت می‌شود یا موجب اغراء متربی می‌گردد، تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران تهیه این‌گونه نرم‌افزارها ضامن هستند و باید هرگونه خسارت وارده به نظام آموزشی یا غرامت وارده به عاملین تربیتی یا متربیان را جبران کنند. بررسی قواعد و آرای حقوقی، حاکی از آن است که طبق نظریه تقصیر، عامل ورود زیان به لحاظ ارتکاب تقصیر، باید جبران خسارت نماید و طبق نظریه خطر، چون عامل ورود زیان، از فعالیتی منتفع می‌گردد، می‌باید خطرات آن را نیز

تحمل نماید. اما دیدگاه مسئولیت محض، مناسب‌ترین مبنای حقوقی برای مسئولیت عیب و نقص سامانه‌های دیجیتالی و نرم‌افزاری است. با توجه به مطلق بودن مسئولیت تولیدکنندگان و فروشندگان کالا در حقوق ایران، نقص علم بشری نمی‌تواند از موارد معافیت از مسئولیت اشخاص فوق‌الذکر گردد؛ بلکه وجود چنین معافیتی، نیازمند تصریح از طرف قانون‌گذار است. در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مبتنی بر تقصیر بر روابط تولیدکننده و مصرف‌کننده حاکم است. لذا نمی‌تواند حقوق مصرف‌کننده را در دعاوی مسئولیت ناشی از عیب تولید تأمین نماید و قانون‌گذار به تبعیت از گرایش جهانی به سمت پذیرش مسئولیت محض تولیدکننده این نظام را بر دعاوی مسئولیت ناشی از عیب تولید، حاکم سازد. لذا وضع قوانین بهینه در این راستا می‌تواند باعث تضمین حقوق مصرف‌کننده در قبال تولیدکنندگان سامانه‌های نرم‌افزاری و دیجیتالی گردد.

منابع

۱. اسعدی، محمد و همکاران، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲. اصلانی، حمیدرضا، «مفهوم و جایگاه تقصیر»، *الهیات و حقوق*، شماره ۶ و ۷، ۱۳۸۴ ش.
۳. امامی، حسن، *حقوق مدنی*، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۰ ش.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین، *کتاب المکاسب*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۵. انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، *دانشنامه حقوق خصوصی*، نشر سمت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ ش.
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم، *کفایة الاصول*، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم، الطبعة السابعة، ۱۴۲۳ ق.
۷. آل کاشف، محمد الحسین، *تحریر المجله*، مکتبه الفیروز آبادی، ۱۳۵۹ ق.
۸. جعفرزاده، علی، *دوره حقوق مدنی (الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری)*، نشر جنگل، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، نشر گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. جمعی از نویسندگان، *در سنامه فلسفه حقوق*، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. حکمت نیا، محمود، *مبانی مالکیت فکری*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. داراب پور، مهرباب، *مسئولیت های خارج از قرارداد*، نشر مجد، تهران، ۱۳۹۶ ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۳ ش.

۱۵. ساکت، محمد حسین، *نگرشی تاریخی به فلسفه حقوق*، نشر جهان معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. سیاح، احمد، *فرهنگ جامع مصور*، چهار جلدی، کتابفروشی اسلام، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. شهیدی، مهدی، *آثار قراردادها و تعهدات*، حقوق مدنی تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. شهیدی، مهدی و یزدانیان، علیرضا، *حقوق مدنی (قلمرو مسئولیت مدنی)*، نشر ادبستان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. صدیقی مشککانی، محسن، *اصول مهندسی نرم افزار*، نشر مجد، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۲۰. طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۲۱. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *الخلافة*، دارالکتبه العلمیه، قم، ۱۳۷۰ ش.
۲۲. علوی قزوینی و همکاران، «قاعده من له الغم فعليه الغرم»، *فصلنامه پژوهش نامه اندیشه های حقوقی*، شماره ۱، ۱۳۹۵ ش.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *موجبات ضمان*، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ ش.
۲۴. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (ضمان قهری - مسئولیت مدنی)*، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. _____، *فلسفه حقوق*، شرکت سهام انتشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. _____، *حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، جلد اول مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. _____، *قواعد عمومی قراردادها*، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. _____، *وقایع حقوقی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۳۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام الحلال والحرام*، دارالاحیاء تراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۳۱. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
۳۲. مراغی، میرعبدالفتاح، *العناوین الفقهیة*، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیة*، مدرسه امام امیرالمؤمنین، قم، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۱ق.
۳۴. موسوی بجنوردی، حسن، *القواعد الفقهیة*، نشر الهادی، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق.
۳۵. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة*، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.

منابع انگلیسی

1. A. M. Clark Product Liability sweet & Maxwell London 1989.
2. K. W. Clarkson West's Business 6" Ed New York West 1992.